

# بررسی تدابیر و فنون نظامی در دوره آل بویه

دکتر محمد تقی ایمان پور<sup>۱</sup>

مهدی پارسى<sup>۲</sup>

## چکیده

در دورانی از تاریخ ایران ، پس از قرن دوم هجری که چند دولت به طور هم زمان در تکاپوی افزایش قدرت و قلمرو خویش بودند، پیشرفت کار و دوام هر حکومت بیش از هر چیز به توان و تدابیر نظامی آنها در مقابل سایر مدعیان قدرت بستگی داشت. امیران آل بویه یکی از همین حکومت ها بودند که کار خود را با سپاهیگری آغاز کردند ، در واقع نیروهای نظامی در ایجاد این حکومت نقش موثری داشتند. بنابراین بازشناسی دقیق شیوه ها و تدابیر جنگی حکومت آل بویه می تواند جنبه مهمی از تاریخ نظامی ایران را برای ما روشن کند. در پژوهش حاضر کوشش شده است تا با استناد به منابع اصلی ، آرا و نظرات پژوهشگران و با استفاده از رویکرد تاریخی رایج ترین شیوه های رزمی و فنون نظامی فرماندهان آل بویه مورد بررسی دقیق قرارگیرد و نقش آنان درتطور این حکومت تبیین گردد.

**واژگان کلیدی:** آل بویه ، دیلمیان ، ترکان ، منجیق ، فنون نظامی بویهیان ، جنگ فرسایشی ، برید ، جاسوس.

## مقدمه

لازمه موفقیت هر نیروی نظامی در جنگ، علاوه بر داشتن تجهیزات و ابزار نظامی، داشتن تدابیر جنگی مناسب است و هر فرمانده و دولتی که بتواند از شیوه‌های نظامی به‌تراستفاده کند و در این زمینه ابتکار و نوآوری داشته باشد بدون شک موفق‌تر خواهد بود. چنان که یکی از علل روی کار آمدن و تشکیل حکومت آل بویه، فنون برتر امیران و سردمداران آن در برابر اشتباهات نظامی دشمنان بود.

از آنجایی که تاکنون مطالعه مستقل در خصوص بحث تدابیر نظامی حکومت آل بویه در این دوره انجام نگرفته است بررسی این موضوع با توجه به حضور دیپلمات در این دوره و نظام فرماندهی قوی و به علاوه استفاده از فنون رزمی جدید می‌تواند به روشن شدن تحولات سیاسی نظامی این بخش از تاریخ ایران کمک کند. به دیگر سخن سرداران بویهی علاوه بر به کارگیری تدابیر معمول نظامی و انواع فنون و حيله‌های نظامی حکومت‌های متقارن و دستگاه خلافت عباسی، خود به ابتکارات و ابداعات ویژه ای نیز دست می‌زده‌اند که اغلب منجر به برتری نظامی آنها بر رقبا می‌گردید. لذا در این پژوهش تلاش بر این است تا با استخراج اطلاعات از منابع دست اول و تحقیقات جدید و با استفاده از شیوه‌های تحقیقات تاریخی و روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که بویهیان چه تدابیر جنگی را در مقابله با مخالفان به کار می‌بستند و توانایی امیران این حکومت در به کارگیری شیوه‌های نوین چه اندازه بود. برای این منظور سعی شده است در این مقاله پس از اشاره ای کوتاه به تاریخ سیاسی این حکومت، عمده‌ترین فنون جنگی آنها از قبیل ایجاد سد دفاعی در برابر دشمن، جنگ فرسایشی و طولانی، محاصره، حفر نقب و خندق، حيله‌ی نظامی و جنگ روانی و جاسوسی می‌شد مورد بررسی قرار گیرد.

## مروری بر تاریخ آل بویه

آل بویه منسوب به ابوشجاع بویه پسر فناخسرو دیلمی از قبیله‌ی شیر ذیل آوند هستند.<sup>۱</sup> آنها از سرزمین دیلم برخاستند. دیلم منطقه‌ای کوهستانی در جنوب دریای خزر و در گیلان امروزی بود که از جانب جنوب به ولایت قزوین و طارم محدود می‌شده است و بخشی از آذربایگان و شهرهای

اران در غرب و ری و نواحی دریای خزر در شرق را شامل می شده است و از جانب شرق به کوههای «اوبست» و «پادوسبان» و کوههای قارن و گرگان محدود می شده است.<sup>۲</sup>

مبارزه با موانع طبیعی از دیلمیان مردمانی جنگجو و دلیر ساخته بود.<sup>۳</sup> دیلمیان در زمان ساسانیان به صورت مزدور در جمع سپاهیان آنها خدمت می کردند.<sup>۴</sup> پس از برافتادن حکومت ساسانیان و تسلط اعراب بر ایران، مردم آنجا توانستند برای سالها در مقابل آنها مقاومت و از ورود آنها به سرزمین خود جلوگیری کنند و بدین گونه برای مدتی استقلال و آزادی خود را حفظ نمودند.<sup>۵</sup> شاید بتوان گفت که قاطعیت در فرمان دادن، تدابیر و ابتکارات نظامی، سرسختی، جان سپاری، مهارت در فن رزم، بردباری، تهور و پایداری در جنگ ها از جمله ویژگی های آنها در مقابله با اعراب و تشکیل حکومت آل بویه در این سرزمین گردید.<sup>۶</sup>

ابوشجاع بویه و پدر او مانند سایر رعایای فقیر در بلاد دیلم زندگی کرده و به ماهیگیری مشغول بوده و درگمنامی به سر می بردند.<sup>۷</sup> شهرت و لیاقت بویهیان در امر جنگاوری و به کارگیری اسلحه و فنون جنگی موجب شد تا اندک اندک از سوی حکومت های محلی پذیرفته و در امور سپاهی به کار گمارده شوند. آنها اگر چه در ابتدا برای امرار معاش وارد ارتش شدند و به صورت مزدور به فعالیت پرداختند<sup>۸</sup> اما با بروز استعداد و لیاقت بتدریج به درجه ی فرماندهی و امیری لشکر ارتقا یافتند. پسران بویه ابتدا در زمره ی یاران و فرماندهان سپاه ماکان قرار گرفتند.<sup>۹</sup> ولی پس از مدت زمانی با مشاهده ی ضعف ماکان و با اجازه ی او به مرداویج پیوستند و امیر زیاری با استقبال آنان را پذیرفت.<sup>۱۰</sup> علی در ابتدا از سوی مرداویج سرکرده ی یک عده از سپاهیان شد<sup>۱۱</sup>، ولی به تدریج وبا نشان دادن لیاقت و توانمندی های نظامی به مقام فرماندهی کرج رسید.<sup>۱۲</sup>

علی - موسس حکومت آل بویه - در ابتدای امر اصفهان را از مظفر بن یاقوت گرفت.<sup>۱۳</sup> یاقوت را در استخر شکست داد و شیراز را تصرف کرد.<sup>۱۴</sup> سپس برادرش حسن را به کازرون فرستاد و او توانست اموال فراوانی از آنجا به دست آورد.<sup>۱۵</sup> او جنگ های زیادی با وشمگیر زیاری انجام داد که در نهایت به پیروزی رسید. احمد - برادر کوچکتر - در سال ۳۲۴ ه.ق با سپاهی که علی در اختیار او گذاشت به سوی کرمان رفت. در آغاز از علی بن زنگی (علی گلوبه) حاکم آنجا شکست خورد و دست چپ و دو انگشت خود را از دست داد ولی سرانجام بر او غلبه کرد.<sup>۱۶</sup> در سال ۳۳۴ ه.ق با ورود به بغداد، مستکفی خلیفه را خلع و چشمانش را به میل کشید.<sup>۱۷</sup>

عمادالدوله در بستر مرگ عضدالدوله - فرزند حسن - را به جانشینی برگزید و رکن الدوله نیز برای جلوگیری از رقابت و ایجاد اختلاف میان فرزندان او در پایان عمر ولایات را به سه دسته تقسیم کرد؛ فارس، کرمان و اهواز را به عضدالدوله، اصفهان، قزوین، قم و ابهر را به مؤیدالدوله و همدان، دینور و مضافات آنرا به فخرالدوله سپرد.<sup>۱۸</sup> این امر زمینه‌ای شد تا دولت آل بویه کم کم با توسعه طلبی های عضدالدوله و ناراضی‌های دیگر برادران و عموزادگان درگیر جنگ‌های داخلی شود. پس از عضد الدوله حکومت واحد و یکپارچه آل بویه در اثر نبردها و تعارضات دائمی امیران رو به ضعف نهاد و به سه شعبه تقسیم شد؛ در فارس پس از عمادالدوله، عضدالدوله و جانشینان او، در بغداد و خوزستان پس از معز الدوله، عزالدوله بختیار و جانشینان او و در ری، همدان و اصفهان، رکن الدوله و مؤید الدوله و سایر جانشینان او روی کار آمدند.

در نهایت شاخه ری به دست سلطان محمود غزنوی در سال ۴۲۰ هجری منقرض شد.<sup>۱۹</sup> عراق را طغرل بک سلجوقی گرفت و به عمر این شاخه از دولت بویهی پایان داد.<sup>۲۰</sup> در فارس نیز در سال ۴۴۸ ه.ق، فضلیه شبانکاره قیام کرد و بر آن بخش از حکومت آل بویه نیز چیره شد.<sup>۲۱</sup> در هر حال هرچند که این خاندان نیز چون دیگر سلسله های ایرانی پس از اختلافات داخلی سرانجام منقرض گردید، اما تاکتیک های نظامی آنها برای سال ها همچنان در خاطرات مردم منطقه باقی ماند و مورد تقلید قرار گرفت که در زیر به آن خواهیم پرداخت.

## ایجاد سد دفاعی در برابر دشمن

ایجاد سد دفاعی با استفاده از سپرهای پهناور یا ایجاد موانع باز دارنده مانند کندن خندق و ساختن برج و بارو در مقابل دشمن یکی از شیوه های اصلی و رایج خاندان بویه در جنگ محسوب می شد. در منظومه ی ویس و رامین آمده است دیلمیان در هنگام جنگ ها سپری پهناور مانند دیواری بلند در برابر دشمنان ایجاد می کردند.<sup>۲۲</sup> در میان دیالمه رسم بود که چون پادشاه حرکت می کرد، سپری زرین با طرز خاصی در جلو او کشیده شود. وقتی جنگجویان در کنار هم پیشروی می کردند، می توانستند با سپرهای بلند خود دیواری نفوذ ناپذیر در برابر مهاجمان تشکیل دهند<sup>۲۳</sup>، و سپس دشمن را با آن سپرها محصور و با زویین به او حمله کنند.<sup>۲۴</sup> ابن مسکویه

نیز می نویسد: در جنگ علی بن بویه با یاقوت به هنگام تصرف فارس، از سپاه دیلم «شش دیلمی مرد پیاده شدند و سپرهای خود را به نزدیک هم گرفته، به پیش خزیدند».<sup>۲۵</sup>

امیران آل بویه در برخی شهرها، استحکامات دفاعی و باروهای در برابر حملات ناگهانی دشمنان ایجاد می کردند؛ به طور مثال در شهر ری، قصر و دارالاماره ای به این منظور ساخته شد.<sup>۲۶</sup> صمصام الدوله در شیراز و رکن الدوله در اصفهان بارو کشیدند.<sup>۲۷</sup> در گذرگاه‌ها و یا طول رودخانه‌ها نیز دیوارهای طولانی بنا می شد تا بدین وسیله از هجوم عناصر ناآرام جلوگیری شود. تعداد بناهای دفاعی به خصوص در اماکن کوهستانی ایران در این زمان زیاد بود.<sup>۲۸</sup> چنین بر می آید که امیران آل بویه با استفاده از سپرگیلی و زوبین دیلمی و ساختن برج و بارو و داشتن نیروهای جنگی و شجاع و دارای مهارت ذاتی توانستند در بسیاری از جنگها در مقابل دشمنان پیروز میدان گردند و دشمنان خود را شکست دهند.

## جنگ فرسایشی و طولانی

یکی دیگر از شیوهای تاکتیکی جنگی در دوره آل بویه انجام جنگ‌های طولانی و فرسایشی برای به زانو در آوردن دشمن بود. آنها اغلب مدت محاصره یا درگیری را به درازا می کشاندند تا به این وسیله موجب خستگی سپاهیان دشمن شده و در نتیجه کمبود آذوقه، تجهیزات و کاهش توان رزمی موجب شکست شان شوند. با توجه به حضور نیروی عرب در سپاه آل بویه این احتمال وجود دارد که آنها این شیوه را آنها از اعراب آموخته باشند. زیرا چنان که می دانیم اعراب شتاب زده و بی موقع به دشمن حمله نمی کردند و ترجیح می دادند برای حمله به انتظار موقع مناسب بنشینند و در موقع مناسب با تمام قوا به دشمن هجوم ببرند و چون وارد جنگ می شدند از آن دست بر نمی داشتند.<sup>۲۹</sup> ما شاهد هستیم که رکن الدوله از همین شیوه و از روش جنگ فرسایشی علیه رقیبان خود استفاده می کرد. این امیر در نبرد با سامانیان برای محدود کردن میدان جنگ از ری خارج شد و در طبرک با آنان جنگید. نبرد طولانی شد و بانزدیک شدن زمستان، سپاه خراسان نگران و دچار فرسودگی گردید و جبهه جنگ را رها کرد. در این زمان رکن الدوله توانست بر دشمنی که ترسیده و روحیه اش را از دست داده بود به راحتی غلبه کند.<sup>۳۰</sup>

روش پیشروی آهسته از تدابیر جنگی معز الدوله در جنگ «واسط»، مقابل توزون بود، در این جنگ که نوزده روز و با کوشش سخت دو طرف ادامه داشت هرروز توزون عقب نشینی می کرد و دیلمیان در یک جنگ فرسایشی که عادت آنها در چنین موقعیتهایی بود گام به گام پیش می رفتند.<sup>۳۱</sup> وی هم چنین در سال ۳۴۵ ه. ق در نبرد با روز بهان شورشی، سپاهیان خود را به گونه‌ای آرایش کرد که دسته‌های سپاهی به آرامی و یکی پس از دیگری به دشمن حمله می کردند.<sup>۳۲</sup>

زمانی که حسام الدوله تاش برای کمک به قابوس بن وشمگیر و فخرالدوله به گرگان رفت، مؤید الدوله ناچار در شهر محصور شد و نزدیک دو ماه در آنجا صبر پیشه کرد و سپاه دیلم در هنگام محاصره پافشاری‌ها کردند و از ضربات شمشیر و فشار دشمن بر شهر نهراسیدند. چون مدت اقامت سپاه حسام الدوله تاش در گرگان طولانی و منجر به فرسودگی و ناتوانی سپاه وی گردید، لشکریان مؤید الدوله از حصار بیرون آمده و جنگ را به خارج شهر کشاندند که در نتیجه موید الدوله توانست با حيله بر آنان پیروز گردد.<sup>۳۳</sup> بر عکس عدم استفاده از چنین تاکتیکی منجر به شکست مطهر، وزیر و سردار جنگی عضدالدوله در جنگ بطیحه گردید.<sup>۳۴</sup> زیرا گفته می شود او در همه‌ی جنگ‌ها «رودرو و فرزند جنگیده بود».<sup>۳۵</sup> و از تاکتیک مرسوم جنگ فرسایشی کمتر استفاده می کرد. با به کارگیری این تاکتیک جنگی بسیاری از امیران و سرداران آل بویه توانستند بر رقیبان چیره و در لشکرکشی‌ها موفق تر عمل کنند و در برابر مشاهده می شود فرماندهانی که در این امر توانا نبودند اغلب باناکامی در عملیات جنگی مواجه می شدند.

## محاصره

یکی دیگر از تدابیر نظامی رایج بویهیان استفاده از تاکتیک محاصره‌ی طولانی مدت دشمن و قلاع آنها بود. در واقع محاصره روشی بود که یک طرف به آن دست می زد تا با پرهیز از جنگ خونبار خواسته‌های خود را به طرف دیگر تحمیل کرده و او را وادار به تسلیم کند.<sup>۳۶</sup> در واقع در این شیوه سعی می گردید بدون وارد آمدن تلفات سنگین انسانی و مادی به هر یک از طرفین درگیر جنگ، پیروزی و مقصود لازم به دست آید. البته این پیروزی همیشه به سادگی حاصل نمی شد و آنها در بسیاری از اوقات مجبور بودند و در طول محاصره از فنون رزمی دیگری مانند

استفاده از منجنیق، فلاخن و زدن نقب به درون شهر برای تصرف آن اقدام کنند که در این صورت با تلفات سنگین انسانی و مادی برای طرفین جنگ همراه می شد. چنان که ما شاهد هستیم که بویه‌یان وقتی شهری یا قلعه‌ای را در محاصره قرار می دادند در همان حال سعی می کردند با استفاده از منجنیق و زدن نقب راهی هم برای نفوذ به قلعه یا شهر را پیدا کنند تا بتوانند در زمان مناسب بر دشمن یورش ببرند که در این صورت پایان خونباری داشت.<sup>۳۷</sup>

البته این شیوه جنگی خاص بویه‌یان نبود و فن محاصره در میان همه ملل از جمله ایران رایج بود و در زمان ساسانیان توسعه یافت.<sup>۳۸</sup> ساسانیان با استفاده از این شیوه نظامی توانستند بسیاری از شهرها و دژهای دشمن را تسخیر کنند.<sup>۳۹</sup> آنان با به کارگیری این تدبیر، ابتدا تمام قشون دشمن را دور زده و آنها را در حلقه‌ای کامل از محاصره قرار می دادند تا راه فراری برای آنان باقی نماند و بعد حمله را آغاز می کردند یا اگر دشمن به قلعه پناه می برد سعی می کردند آن قلعه را محاصره و سپس از راه جنگ و ضربات قاطع و با استفاده از تمامی فنون لازم و به کارگیری ادوات جنگی؛ مانند منجنیق، نقب و حیل به درون قلعه نفوذ و دشمن را مغلوب کنند.<sup>۴۰</sup>

در دوره‌ی آل بویه این تدبیر جنگی یعنی محاصره و دور زدن دشمن و یا محاصره طولانی مدت آنان در درون شهرها یا قلاع به فراخور نیاز استفاده می شد. آنها در جنگهای رو در رو اغلب دشمن را میان سپرهای خود محصور و با زوبین به او حمله می کردند و برای توسعه عملیات، سواره نظام به آنان کمک می نمود.<sup>۴۱</sup> یا عضدالدوله، هنگام کمک به عزالدوله بختیار که گرفتار ترکان بغداد شده بود تصمیم گرفت این شهر را از دو طرف در محاصره قرار دهد. وی برای این منظور و پس از تهیه نقشه‌ی حمله، سپاهیان را دو قسمت کرد، جمعی تحت اختیار عزالدوله، بغداد را از جانب غربی محاصره و تحت حمله قرار دادند و عده‌ای از طرف مشرق پیشروی کردند. خلیفه، اگر چه همراه با ترکان چند روزی مقاومت نمود اما چون دیلمیان محاصره را از هر طرف بر سپاه او تنگ کردند، فتح نصیب عضدالدوله شد.<sup>۴۲</sup>

به علاوه هنگامی که دشمن به درون قلعه یا حصار پناه می برد، آنها برای مدت طولانی دشمن را در درون قلعه محاصره و برای نفوذ به شهر از وسیله‌ای برای پرتاب سنگ به نام منجنیق استفاده می شد که دارای یک بازوی چوبی بود که انتهای آن به طناب‌های پیچ خورده‌ای اتصال داشت. بازو را به طرف پایین می کشیدند و در داخل محفظه‌ی مخصوص یا فلاخنی که در سر تیز بازو قرار

داشت، یک سنگ قرار می‌دادند. زمانی که بازو، رها می‌شد، پیچ طناب‌ها باز و بازو به سرعت به طرف بالا تاب بر می‌داشت و در اثر این حرکت، سنگ به مسافت دوری پرتاب می‌شد که در صورت اصابت به دیوار شهر یا قلعه باعث ایجاد شکاف در آن و باز شدن منفذ برای ورود به آنجا می‌گردید.<sup>۴۳</sup> به دیگر سخن شیوه بهره‌گیری از منجنیق، یک شیوه‌ی حصارگشایی متحرک بود که در محاصره‌ی شهرها، قلعه‌ها و دژها و از طریق پرتاب سنگ، تیر، مواد منفجره و عقرب به درون استحکامات دشمن به وسیله آن انجام می‌شد.<sup>۴۴</sup> در سال ۳۴۴ ه. ق، زمانی که امیر نوح بن منصور سامانی، سپاهی را به ری فرستاد، رکن الدوله از معزالدوله یاری خواست. این امیر بویهی هم، سبکتکین حاجب را با سپاهی مجهز به عراده و منجنیق به یاری برادر گسیل کرد<sup>۴۵</sup> یا چنانکه گزارش شده است ابوالفضل بن عمید، وزیر رکن الدوله، جنگ افزارهای شگفت‌آوری برای حصارگیری اختراع کرد که در محاصره‌ی دژهای استوار از راه دور با پرتاب سنگ‌های بزرگ اردوگاه دشمن را می‌شکافت.<sup>۴۶</sup>

بر عکس اگر بویه‌یان خود در محاصره دشمن قرار می‌گرفتند سعی می‌کردند که با استفاده از منجنیق و پرتاب آن از درون قلعه و به درون سپاه دشمن در خارج از قلعه به آنها آسیب برسانند. چنانکه در یکی از جنگ‌ها، ابوالوفا، یکی از فرماندهان عضدالدوله، در حالی که از درون قلعه‌ای به دفاع برخاسته بود با منجنیق به طرف مهاجمان سنگ پرتاب می‌کرد. در هر حال به نظر می‌رسد که سرداران و فرماندهان آل بویه با به کارگیری این تدبیر نظامی که تا حدود زیادی برگرفته از دوران باستان و پادشاهان ساسانی بود به همراه سایر فنون جدید جنگی در تلاش بودند تا به شیوه‌ای آسان و با کم‌ترین خسارت و تلفات نیروی انسانی و به کارگیری حداقل تجهیزات در نبردها پیروز شوند.

### حفر نقب و خندق

یکی دیگر از فنون نظامی بویه‌یان، نقب زدن برای دسترسی به دشمن در دورن استحکامات و یا کندن خندق برای عدم دسترسی دشمن به درون قلاع و شهرهای آنها بود که در عصر ساسانی نیز بسیار مرسوم بوده است و سپاهیان ایرانی همواره در این امر تبحر و مهارت خاصی داشتند.<sup>۴۷</sup>



نقب زنی که در عصر خلفای عباسی نیز به عنوان یک شیوه رایج مورداستفاده قرار گرفت ، در دوره ی آل بویه از روی قواعد ریاضی و توسط مهندسان کار آزموده به شیوه ای جدیدتر انجام می گرفت.<sup>۴۸</sup> آنها نقب را از روی حساب طوری می زدند که از وسط ارگ یا محل دیگری که می خواستند سر در می آورد. استفاده از این روش بیشتر در زمان محاصره ی دشمن انجام می شد.<sup>۴۹</sup> امیران بویهی این تدبیر جنگی را برای تخریب قسمتی از دیوار قلعه یا یکی از برج های دشمن نیز به کار می بردند. در این مورد نقب را تا زیر دیوار یا برج می بردند و به تدریج با خاکبرداری چوب های کوتاهی زیر آن قرار می دادند و چون زیر دیوار یا برج به کلی خالی می شد، هنگامی که چوب های زیر آن را آتش می زدند ، دیوار یا برج فرو می ریخت.<sup>۵۰</sup>

اما حفر خندق - که ظاهراً اولین بار در صدر اسلام و توسط سلمان فارسی مورد استفاده قرار گرفت و سلیمان بن عبدالملک اموی نیز از آن بهره برد<sup>۵۱</sup> - برای جلوگیری و در امان ماندن از حملات احتمالی دشمنان یک فن دفاعی رایج در دوره ی بویهان بود.

در این دوران هنگام جنگ در محل هایی که سپاهیان استراحت می کردند برای محفوظ ماندن از غافلگیری در برابر دشمنان دیده بان قرار می دادند و در اطراف خود خندق های موقتی می کردند و اغلب سعی می کردند تنه های بزرگ پر شاخ و برگ درختان را در زمین کار بگذارند.<sup>۵۲</sup> بویهان از روش استحکامات ثابت از جمله کندن خندق پیرامون شهرها نیز بهره می بردند. می توان دریافت امیران و سرداران بویهی از تدبیر جنگی حفر نقب و خندق در همان چارچوب و شیوه های گذشته و با کوشش در ترمیم و بهبود آن در مواقع ضرورت به کار می گرفتند.

## حیله ی نظامی و جنگ روانی

یکی از مهم ترین تدابیر جنگی که در ایران قرون نخستین اسلامی کاربرد داشت حیله ی نظامی بود. استفاده ی به موقع آن در هنگام نبرد، مفید و موجب پیروزی سپاهیان می شد ، این فنون اگر چه از قبل وجود داشت ولی امیران و سرداران بویهی با استعداد و زیرکی نظامی و با توجه به شرایط از آن استفاده کرده ، آن را با شیوه های جدیدتری به کار می بستند که نقش مهمی در پیروزی های آنها بر رقیبان داشت.

از جمله این حیل‌های جنگی، نشر اخبار و اعمال وحشت آور و تحریک آمیز بود که سبب می‌شد دشمن روحیه‌اش را از دست بدهد.<sup>۵۴</sup> در دوره‌ی آل بویه، پرتاب کوزه‌های پر از عقرب و دیگر گزندگان به درون گروه‌ها و دژهای دشمن یا پرتاب سنگ‌های آتشین آغشته به نفت و به همراه آوردن فیل و سایر حیوانات وحشی در راستای ایجاد ترس در دل دشمنان بود.<sup>۵۵</sup>

شیوه‌ی جنگ و گریز نیز حیل‌ی نظامی دیگری بود که به ضرورت در هنگام نبرد از آن استفاده می‌شد. این حربه را ابو منصور فولادستون پسر ابوالکلیجار در جنگ با برادرش ابوسعید به کار گرفته بود.<sup>۵۶</sup> گاهی اوقات سپاهیان در ظاهر اقدام به فرار می‌کردند تا به این وسیله فاتح را به تعقیب عجلولانه و بدون احتیاط کافی وادار کنند و او را به کمینگاه خود بکشانند و غافلگیر و در نهایت شکست دهند. این عمل بیشتر در کوهستان‌های شرقی ایران انجام می‌شد.<sup>۵۷</sup> آنها در زمان عقب نشینی نیز پشت سر خود در سر راه دشمن سیخ‌های نوک تیز آهنین در زمین فرو می‌کردند تا مانع عبور سریع دشمن شوند.<sup>۵۸</sup>

علی عمادالدوله سپاهیان را که مرداوین علیه او به کرج فرستاده بود با حیل‌ی نظامی و تطمیع از مرداوین ترساند، سپس آنها را با پول به طرف خود جذب کرد. زمانی که مرداوین سپاهی به سرکردگی وشمگیر برای دفع علی به طرف اصفهان روانه کرده بود چون علی در خود توان مقابله با سپاهیان تازه نفس وشمگیر را ندید بدون جنگ خواستار صلح شد و به ارجان فارس عقب نشست.<sup>۵۹</sup> وی با شیوه‌ای خاص برای دریافت منشور سلطانی، فرستاده‌ی خلیفه را فریب داد و آن را در جمع مردم خواند و سپس از دادن مال و وعده‌های داده شده طفره رفت.<sup>۶۰</sup>

این امیر در سال ۳۳۴ ه.ق زمانی که علی بن محتاج از طرف امیر نوح سامانی به ری حمله کرده بود، آنجا را به او واگذار کرد و در همان حال نامه‌ای به امیر نوح نامه‌ی نوشت و یادآوری کرد که ری برای تو فایده نداشته و هزینه‌ی سنگینی برای تو در بر خواهد داشت. از وی خواست تا آن را در مقابل دریافت یکصد هزار دینار به او واگذار کند و یکی از افرادش را برای امضای پیمان نزد او بفرست. از طرفی نامه‌ای به ابن محتاج فرستاد و آمدن قاصد امیر نوح را به او اطلاع داد و او را از امیر سامانی ترساند. ابن محتاج نیز به همراه ابراهیم بن احمد، عموی امیر نوح به مبارزه با امیر سامانی برخاست و او را شکست داد. پس علی عمادالدوله تنها با یک حیل‌ی نظامی از شر دو دشمن رهایی پیدا کرد. هم چنین وی در صورت لزوم، گروه‌هایی را نزد دشمنان و

رقیبان می‌فرستاد تا از حساسیت آنان نسبت به خود و بروز جنگ جلوگیری کند. به طوری که چون خبر ورود سپاه مرداوینج را به خوزستان را شنید در مقام آشتی با او برآمد و برادرش، حسن را به عنوان گروگان نزد او فرستاد.<sup>۶۱</sup>

رکن الدوله نیز از این تدبیر جنگی بهره می‌گرفت. در سال ۳۵۵ ه.ق و در روزگار منصور بن نوح سامانی گروه عظیمی نزدیک به بیست هزار تن از غازیان خراسان به قصد جنگ به طرف ری آمدند و خواستار خراج تمام جبال شدند. چون این خبر به رکن الدوله رسید، مدتی با آنان مدارا کرد. ولی مهاجمان که به خواسته‌هایشان نرسیده بودند، دیلمیان را لعن کردند. در نتیجه زد و خورد آغاز شد. در این هنگام رکن الدوله حیل‌های نظامی اندیشید و وانمود کرد لشکری کمکی برای یاری او در راه است و از سویی برخی فرماندهان خراسانی را با وعده‌ی مال به طرف خود متمایل کرد و با این مقدمه و ترفند، خراسانیان را شکست داد.<sup>۶۲</sup>

احمد معزالدوله در استفاده از حیل‌های نظامی و جنگ روانی سر آمد بود. او به روش دیلمیان، چادرهایی را به نشانه‌ی پیروزی و ادامه‌ی جنگ بر پا می‌کرد تا روحیه‌ی دشمن را تضعیف و قوای دیلمیان را تقویت کند. ابن مسکویه در این باره می‌نویسد: «امیر ابوالحسین بویه، گله‌ای بزرگ از چارپایان و شتران به همراه می‌برد، هنگامی که راه می‌پیمود گله را میان خود و دجله روان می‌داشت، چادری نیز به رسم دیلمیان همراه می‌برد که بر پا بودن آن نشانه‌ی جنگ و برکنده بودنش نشان‌گریز بود».<sup>۶۳</sup> در سال ۳۴۴ ه.ق معزالدوله پس از تسلط بر بغداد و خلع مستکفی و بر تخت نشاندن المطیع‌الله، حیل‌های بکار برد و شب هنگام با دیلمیان سپاه به راه افتاد و با بوق و طبل در کشتی‌ها نشستند و در چند نقطه از خیابان‌های بغداد پیاده شدند. این اقدام موجب ترس بنی حمدان و بیرون رفتن آنها از آنجا شد.<sup>۶۴</sup>

در نبردی که با ناصر الدوله حمدانی، حاکم موصل انجام داد، چون سپاهش دچار سختی و کمبود غذا شدند، حیل‌های در پیش گرفت و گذرگاه‌ها را مرتب و دسته‌های لشکری را در آنجا گمارد و به وزیرش ابوجعفر صیمری دستور داد که با عده‌ای از رود عبور کنند و خودش با بقیه‌ی سپاه تظاهر کرد به سوی قطربل می‌رود تا از آنجا بگذرد. سپس شبانه لشکر کشید و کنار رود دجله را پیمود و سپاهیان ناصرالدوله مانع عبور او نشدند، از طرفی صیمری و سپاهیان هم به راحتی از رود گذشتند و با این شیوه بر ناصر الدوله پیروز شد.<sup>۶۵</sup> وی در سال ۳۴۵ ه.ق در نبرد با روزبهان

دیلمی توانست دوستی و نزدیکی‌اش را با نگهبانان دیلمی حفظ و آنها را به هنگام تهدید حمدانیان در موصل حمایت کند. بدین گونه بر سر راه پلی که نقطه‌ی مهمی به شمار می‌رفت، نگهبانانی قرار داد تا از فرار دیلمیانی که حقوق شان متوقف شده بود جلوگیری نماید.<sup>۶۶</sup>

عضدالدوله نیز در زیرکی نظامی معروف بود و در به کارگیری آن تبحر داشت. وی همواره بر جزئیات امور دولت و سپاه نظارت می‌کرد و مراقب رفتار و اعمال فرماندهان سپاهش بود و هر گونه سرکشی را به شدت پاسخ می‌داد. به دلیل همین نافرمانی‌ها، گورگیر بن جستان را بعد از فتح کرمان کنار گذاشت. این امیر برای تثبیت قدرت و ترس دشمنان نیز اقدامات هولناکی انجام می‌داد، به طوری که دستور داد تا این بقیه، وزیر عزالدوله، را لگدکوب پیلان کنند. اقدام او در گماردن سرکرده‌ای جداگانه برای دیلمیان و ترکان سپاه که کار رسیدگی به امور و نظارت بر آنان را عهده دار بود، مبنی بر احتیاط زیرکانه‌ی این امیر برای جلوگیری از شورش‌ها بود.<sup>۶۷</sup>

عضدالدوله با مقاومت‌های پدرش رکن الدوله برای برکناری عزالدوله، به ناچار عراق را ترک کرد. این اقدام او یک عقب نشینی موقت بود. زیرا به محض درگذشت رکن الدوله، بار دیگر تصمیم به فتح عراق گرفت.<sup>۶۸</sup> برای تصرف بغداد از چنگ عزالدوله نیز حيله‌ی نظامی به کار بست. به طوری که از یک طرف عزالدوله را به تنبیه سرداران و سپاهیان دعوت کرد و از سوی ترکان و سرداران سپاه را برای دریافت مقرری و مواجب به شورش تحریک کرد. بدین ترتیب در ولایات عزالدوله آشوبی به سود خود برپا کرد و عراق را از عزالدوله گرفت.<sup>۶۹</sup>

عضدالدوله با اعزام عده‌ای از سربازان خود به عنوان پناهنده به دارالحکومه «الیسع» بهانه‌ی هجوم به آنجا را به دست آورد. پس از حمله‌ی وی به آنجا و با یک هماهنگی از پیش مشخص شده سربازان پناهنده، الیسع را ترک کردند و به عضدالدوله پیوستند. این امر باعث شد در رمضان ۳۵۷هـ.ق این امیر بدون دشواری و مقاومت وارد کرمان شود و آنجا را تصرف کند.<sup>۷۰</sup> وی در مواقع لزوم به صلح موقتی دست می‌زد. مثلاً پس از شکست وزیرش مطهر از حسن بن عمران حاکم بطیحه، ابوالعلی را که یک فرد مسیحی بود برای پایان دادن به جنگ و انعقاد پیمان صلح نزد حسن فرستاد و ادامه‌ی جنگ را به زمان دیگری موکول کرد.<sup>۷۱</sup> وزیر ابوالفتح ابن عمید، نیز در به کارگیری حيله‌ی جنگی مهارت داشت. وی در سال ۳۶۳هـ.ق برای سرکوب شورشی که بر ضد آل بویه ایجاد شده بود همراه عضدالدوله به عراق رفت و نقشی دو جانبه را بازی کرد. از یک سو به

عنوان مأمور مخفی عضدالدوله، با ماموریت ترغیب امیرالأمرا به منظور موافقت با عزل عضدالدوله به ری رفت و در آنجا موفق شد اختلاف میان عضدالدوله و عضدالدوله را مرتفع کند و از سویی زمینه را برای ایجاد روابط نزدیک با عضدالدوله و خلیفه آماده ساخته و اندیشه‌ی رفتن به بغداد و به دست گرفتن وزارت عضدالدوله را نیز در سر پیروانند. همین تلاش‌های او باعث شد تا عراق استقلال ظاهری خود را حفظ کند.<sup>۷۲</sup>

مطهر وزیر و یکی از سرداران او نیز در مواجهه با دشمن سعی در وارد کردن ضربات نهایی و قطعی به آنان داشتند. آنان در نبرد با حسن بن عمران حاکم بطیحه تلاش کردند جنگ را به فضایی باز بکشانند تا به راحتی و در یک میدان وسیع و با کارآیی نظامی بالا بتوانند دشمن را از پای در آورده و به او فرصت تفکر و فرار ندهند.<sup>۷۳</sup>

فخرالدوله نیز در سال ۳۷۳ ه.ق برای از پیش برداشتن علی کامه از سرداران آل بویه به حيله متوسل شد و چون می‌دانست که به سبب جلالت و قدرت بر او دست نخواهد یافت، تدبیری به کار برد و او را مسموم کرد. وزیرش، صاحب بن عباد، نیز در سال ۳۷۷ ه.ق اموال حاکم طبرستان را با حيله ضبط کرد.<sup>۷۴</sup>

دادن رشوه به فرماندهان سپاه هم از دیگر حيله‌های جنگی رایج در زمان بویه‌یان بود. در نبرد مؤید الدوله و عضدالدوله با فخرالدوله و قابوس بن وشمگیر و امیرنوح بن منصور سامانی، زمانی که امیر سامانی، امیر تاش و فائق را به کمک فخرالدوله فرستاد، مؤیدالدوله که توان مقابله با آنها را نداشت، از صاحب بن عباد کمک گرفت. این وزیر که می‌دانست با جنگ نمی‌تواند بر چنین نیروی عظیمی پیروز شود لذا صدد فریب فرماندهان سپاه مقابل برآمد. او دویست هزار مثقال طلا برای فائق فرستاد تا در روز جنگ موجبات شکست سپاهیان دشمن را فراهم آورد.<sup>۷۵</sup> بدین گونه در آن روز سپاهیان فخرالدوله پشت به جنگ کردند و نزد عضدالدوله رفتند.<sup>۷۶</sup>

در جنگ صمصام الدوله و بهاء الدوله نیز فولاد زماندار، فرمانده سپاه صمصام الدوله، با حيله‌ی نظامی جمعی از سربازان بهاءالدوله را کشت. ترفند او این بود که تعدادی از شترهای سپاه را بدون مراقبت رها ساخت. ترک‌های لشکر بهاءالدوله به امید کسب آن شترها از پل گذشتند ولی به محض عبور عده‌ای از نیروهای صمصام الدوله که در پشت تپه‌ها پنهان شده بودند بر آنها حمله کردند و سپاه بهاءالدوله را شکست دادند.<sup>۷۷</sup> یا بر عکس بهاء الدوله برای ترساندن دشمنان، شدت

عمل نشان می‌داد. زمانی که سپاهیان، سر صمصام الدوله را کتندند، این امیر پوست غلامانی که این کار را کرده بودند، کند و آنان را بر دار زد و دستور داد تا به لشکریان خبر دهند این سزای کسی است که بر امیرش دست درازی کند.<sup>۷۸</sup>

خوش رفتاری با اسیران جنگی نیز از جمله زیرکی‌های نظامی بویه‌یان بود چنان که فوراً آنها را به خدمت می‌گرفتند. علی در نبرد با یاقوت به اسیران نیکی و آنان را آزاد کرد. این اسیران هم بلافاصله به جمع سپاهیان او ملحق شدند.<sup>۷۹</sup> حسن رکن الدوله نیز اسیران سامانی را از خراسان تحت مراقبت‌های ویژه به خانه‌هایشان فرستاد.<sup>۸۰</sup> معز الدوله در سال ۳۵۵ ه.ق، نافع غلام ابن وجیه که عمان را پس از او بدست آورده بود و در آنجا به خدمت او رسیده بود مورد احسان و نیکی قرار داد به گونه‌ای که نافع تصمیم گرفت نزد این امیر باقی بماند.<sup>۸۱</sup>

جذب سپاهیان و سرداران دشمن با شیوه‌های گوناگون - نیکی، رشوه، حيله و تهدید- همان گونه که قبلاً اشاره شد، برای تشکیل سپاه و حکومت و پیروزی در جنگ‌ها از تدابیر نظامی موثر امیران بویه‌ی در این زمینه بود. به نظر می‌رسد حيله‌ی نظامی و جنگ روانی یکی از فنون پر کاربرد فرماندهان و سرداران آل بویه بود که تأثیر بسیاری در امور سپاهی آنان داشت، به طوری که آنها سعی می‌کردند تا این شیوه را به تناسب نیاز و ضرورت زمان مثمرتر کنند.

## جاسوسی

استفاده از سیستم برید (خبر رسانی) و جاسوسی جهت آگاهی از اوضاع کشور و توانمندی‌های دشمن از دیگر روش‌هایی بود که آل بویه برای غلبه بر دشمن در هنگام جنگ به کار می‌گرفتند. این تدبیر نظامی، تأثیر مهمی در امر لشکرکشی سپاهیان و نحوه‌ی آرایش جنگی آنها می‌گذاشت.

در زمان آل بویه دیوان برید اهمیت زیادی داشت و از کارآیی بالا و فعالیت‌ی چشمگیر برخوردار بود و همواره پیک‌های دنده‌ای با حقوق گزاف آماده خدمت بودند.<sup>۸۲</sup> این دیوان در ارتباط میان شاخه‌های سه گانه عراق، جبال، ری و فارس این خاندان نقش مهمی داشت. خاندان آل بویه در کنار دیوان برید و از طریق جاسوسان آن از اخبار سپاه دشمن و همسایگان و کارگزاران حکومتی مطلع می‌شدند تا هیچ اموری از چشم آنان مخفی نماند.<sup>۸۳</sup>

در این زمان، دیوان برید و تلاش و مراقبت دائمی منهبان و جاسوسان در رساندن اطلاعات نظامی، سیاسی و مالی نقش به سزایی در تثبیت و تحکیم قدرت مرکزی داشت. امرا و سلاطین ایران با پیروی از روش سیاستمداران بزرگ ایرانی برای آنکه در برابر دشمنان غافلگیر نشوند، در کنار دیوان برید که بصورت علنی امور مربوط به حمل و نقل نامه‌ها و اخبار مملکتی و گماشتن پیک‌ها در راه‌ها بر عهده داشتند همواره تعدادی دختر و پسر مستعد و زیرک را تربیت و به نقاط مختلف به نام منهی و مشرف گسیل می‌کردند تا علاوه بر کسب خبر و اطلاع از اوضاع کلی کشور و احیاناً خطرات پیش‌رو، بر فعالیت‌های استناداران و مأموران، اعمال نیک و بد آنان نظارت و مشکلات پیش‌رو را در کوتاه‌ترین مدت به حکومت مرکزی اطلاع دهند.<sup>۸۴</sup>

علاوه بر آن وظیفه‌ی مهم جاسوسان و پست‌های اطلاعاتی این بود در صورت مواجهه ناگهانی سپاهیان با دشمن و احتمال درگیری نظامی، برای روشن شدن موقعیت به جست و جو پردازند و تلاش کنند تا از شکست احتمالی جلوگیری شده موجبات پیروزی نیروهای خودی فراهم شود.<sup>۸۵</sup> خواجه نظام الملک در اهمیت دیوان برید و جاسوسی بیان می‌کند که همواره باید پیک‌هایی به طور منظم در اختیار داشت تا اخبار را از راه‌ها و نقاط دور بیاورند و افرادی هم بر کار آنها نظارت کنند و وی سلجوقیان را به خاطر عدم پیروی از آل بویه در این خصوص مورد انتقاد قرار می‌دهد.<sup>۸۶</sup> در آن دوران شرط بود جاسوسی که به مأموریت می‌رود آهسته و آرام انجام وظیفه کند و اسب‌های تیز و آزموده داشته باشد و چنان میان لشکریان خودی و دشمن تردد کند که کسی متوجه آنان نشده و حساسیتی ایجاد نشود.<sup>۸۷</sup> امیران بزرگ بویهی، مردان کارآزموده و مطمئنی را به عنوان خبرگزار یا منهی به شهرها و نواحی اطراف گسیل می‌کردند.<sup>۸۸</sup>

علی عمادالدوله هنگامی که خواست ری را به طرف کرج ترک کند، پرده دار خود، احمد پدر ابواسحاق طبری را در دربار و شمشگیر زیاری باقی گذاشت تا گزارش همکاری و توطئه‌های احتمالی این امیر زیاری با مرداوینج را به او خبر دهد.<sup>۸۹</sup> در زمان معزالدوله نیز دیوان برید و اخبار نظم و نسق خاصی داشت. او اولین فرد از این خاندان بود که به سبب سرعت بخشیدن به تبادل اطلاعات و اخبار با برادرش، رکن الدوله، نظام چاپاری را به راه انداخت. فضل و مرعوش دو پیک بسیار سریع زمان او بودند که روزانه چندین فرسخ را طی می‌کردند و حقوق گزافی می‌گرفتند.<sup>۹۰</sup>

عضدالدوله نیز در تمام امور مملکت دستگاه خبررسانی، جاسوسان و بازرسان دقیق و منظم داشت.<sup>۹۱</sup> دیوان برید در آن زمان از نظم بی‌سابقه و سرعت عمل زیادی برخوردار بود. وی به نامه‌های حکام کشورهای اطراف نیز رسیدگی می‌کرد و منشی مخصوصی تصمیم او را درباره‌ی هر یک از گزارش‌ها می‌نوشت.<sup>۹۲</sup>

این امیر به قدری به امور پست توجه داشت که اگر اخبار به موقع نمی‌رسید علت تأخیر را می‌پرسید و در صورت موجه نبودن، متصدیان مربوط را تنبیه می‌کرد، لذا مردم همواره مراقب کار خود بودند و جاده‌ها هم از وجود راهزنان پاک شد.<sup>۹۳</sup> با این نظارت دقیق، چنان دستگاه پستی به وجود آورد که نامه‌های ارسالی از شیراز به بغداد، فاصله‌ای حدود نهصد کیلومتر را در مدت هفت روز طی می‌کردند. او حتی از کبوتران نامه بر به منظور رساندن پیام‌های محرمانه بهره می‌برد.<sup>۹۴</sup>

علاوه بر جاسوسانی که در خدمت سلطان بودند، خبررسانان دیگری نیز از سوی وزیران و روسای دیوان‌ها فعالیت می‌کردند که هر یک از آنها، دیگری را تحت نظر داشتند. وجود چنین جریانی در آن زمان که هر مقامی دشمن بالقوه‌ی دیگری بود، طبیعی به نظر می‌رسید. چنان که سبکتکین، فرمانده کل قوای بختیار، جاسوسانی در سپاه و قصر عضدالدوله بختیار داشت که در میان نزدیکان و یاران او به خبر چینی مشغول بودند.<sup>۹۵</sup>

عضدالدوله در قلمرو همسایگانی مانند فاطمیان، جاسوسانی گمارده بود<sup>۹۶</sup> و در دستگاه عضدالدوله بختیار نیز جاسوسی داشت که او را از روابط ابوالفضل بن عمید، وزیر و عضدالدوله بختیار، پسر عمو آگاه می‌کرد.<sup>۹۷</sup> صاحب بن عباد، وزیر موید الدوله و فخر الدوله نیز جاسوسان بسیاری در دربار مخالفان و همسایگان داشت که اخبار مملکت را مرتب برای او می‌فرستادند. در جنگ با سامانیان از طریق آنها از کم و کیف سپاه سامانی آگاه شد.<sup>۹۸</sup> وی از یک جاسوس درباره‌ی وضع سپاه دشمن پرس و جو کرد و از تعداد پیران لشکر پرسید. او گفت: پیران با تجربه در سپاه حاضر نیستند ولی تجهیزات جنگی و نیروی آنان بسیار است. صاحب هم در جواب گفت: «من از پیران رای زن می‌ترسم نه از پیلان تیغ».<sup>۹۹</sup>

همان گونه که معلوم شد استفاده از جاسوس و داشتن دستگاه منظم خبررسانی، یکی از فنون نظامی مهم امیران و سرداران آل بویه محسوب می‌شد. آنها همواره می‌کوشیدند تا با بهره‌گیری از این روش و تربیت و گماردن افرادی بدین منظور، چه در زمان آموزش سپاهیان و چه در هنگام



آرایش جنگی و لشکرکشی و چه در میدان جنگ، تغییر و تحولاتی متناسب با آن جنگ در برابر دشمنان و در راستای کسب موفقیت بهتر و سریع تر و جلوگیری از غافلگیری و ضربات احتمالی ایجاد کنند. ضمن آنکه بدین شیوه تلاش می کردند تا حد امکان خود و حکومتشان را از شر دشمنان و شورش های احتمالی در امان نگه دارند، گر چه نباید از یاد برد که این تدبیر جنگی، تنها در زمان پادشاهان و فرماندهان لایق و قوی کارآیی داشت و در اواخر دوران این حکومت که امیران درگیر جنگ ها و اختلافات خانوادگی شدند، این امر مهم نقش کمرنگ تری ایفا کرد.

### نتیجه

بویهیان از جمله حکومتگرانی بودند که با استفاده از فنون جنگی مناسب توانستند در جنگها از موفقیت های زیادی برخوردار گردند. در این دوره علاوه بر به کارگیری روش های جنگی مرسوم در ایران باستان چون استفاده از شیوه محاصره، اصل غافلگیری، ایجاد برج و باروی دفاعی، سنگر سازی و منجنیق... و استفاده از تجربیات نظامی پیشین، از ابتکارات، مهارت ها و تاکتیک های مناسب با توجه شرایط بهره می گرفتند که منجر به پیروزی آنان گردید.

بویهیان سعی می کردند که ضمن استفاده از تجربیات نظامی پیشین و انجام امور و فنون جنگی از روی قواعد هندسی و ریاضی و کسب آموزش های لازم برای انجام آنها از تدابیر و ابتکارات سیاسی و نظامی فرماندهان و سرداران مبتکر نظامی خود بهره گیرند که بسیار موفقیت آمیز و ثمربخش بود. به دیگر سخن، در این دوران با به کارگیری تدابیر نظامی جدید و مناسب و تاکتیک های لازم، امیران مبتکر و باکیاست این سلسله توانستند موفقیت های نظامی بسیار به دست آورند.

هر چند که نخستین امیران و سرداران بویهیی با به کارگیری شیوه ها و آرایش نظامی منسجم و رعایت تمام جوانب احتیاط و استفاده از ابتکارات جدید اغلب پیروز میدان جنگ بودند، اما در اواخر دوران این حکومت به دلیل بروز مشکلاتی چون اختلافات سپاهیان ترک و دیلم و ضعف و ناکارآمدی امیران آنها، آشفتگی فراوانی در استفاده از توانمندی سرداران و تاکتیک های فوق الذکر پدید آمد که باعث شکست های پی درپی و از هم پاشیدگی فرمانروایی بویهیان شد.

## پی نوشت ها و ارجاعات :

- ۱ - ابن اسفندیار، بهاءالدوله محمد بن حسن، تاریخ طبرستان ، به تصحیح عباس اقبال ، جلد اول ، تهران ، چاپخانه مجلس ، ۱۳۲۰ ، ص ۱۳۹
- ۲ - اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالك الممالک، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ، ۱۳۶۸ ، ص ۱۶۸.
- ۳ - گمنام، حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ، ص ۱۹۷.
- ۴ - پیرنیا، حسن، ایران باستان، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰ ، ص ۳۹۲.
- ۵ - کرمر، جوئل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه‌ی محمد سعید حنایی کاشانی مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵ ، ص ۶۹
- ۶ - جرفادقانی، ابو الشرف ناصح بن ظفر، ترجمه تاریخ یمینی، به اهتمام جعفر شعار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۵ ، ص ۵۱.
- ۷ - فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، صبا، گیلان ، ۱۳۶۵ ، ص ۸۸
- ۸ - باسورث، کلیفورد ادموند، تاریخ غزنویان، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد اول ، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶ ، ص ۱۰۹.
- ۹ - میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی، روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس زریاب ، ج ۴ ، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۵ ، ص ۶۱۲.
- ۱۰ - ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمه‌ی علینقی منزوی، جلد ۵ و ۶ ، طوس، تهران، ۱۳۷۶ ، ص ۳۷۲ ؛ ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، ترجمه مختصرالدول، ترجمه‌ی محمد علی تاج پور و حشمت ا... ریاضی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴ ، ص ۲۲۶؛ همدانی، خواجه رشیدالدین فضل، جامع التواریخ، به اهتمام احمد آتش، جلد ۱، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲ ، ص ۳۷۲.
- ۱۱ - فقیهی، ص ۹۹ .

- ۱۲- ابن طباطبا، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه ی محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰
- ۱۳- بناکتی، روضه اولی الالباب فی المعرفه التواریخ و الانساب، به کوشش جعفر شعار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۲۰.
- ۱۴- گمنام، مجمل التواریخ والقصص، به تصحیح ملک الشعراء بهار و به همت محمد رمضانی، چاپخانه خاور، تهران، ۱۳۱۸، ص ۳۹۰.
- ۱۵- همدانی، پیشین، ص ۱۹۰؛ میرخواند، پیشین، ص ۶۱۴؛ ابن اسفندیار، پیشین، صص ۲۹۸ - ۲۹۹
- ۱۶- ابن مسکویه، پیشین، ص ۴۶۴.
- ۱۷- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و المعادن الجواهر، ترجمه ی ابوالقاسم پاننده، جلد ۲، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۳۹.
- ۱۸- جرفادقانی، پیشین، ص ۴۸
- ۱۹- مستوفی قزوینی حمدا...، تاریخ گزیده، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۱، ص ۴۲۷.
- ۲۰- بناکتی، پیشین، ص ۲۲۳.
- ۲۱- غفاری قزوینی، تاریخ جهان آرا، کتابفروشی حافظ، تهران، ۱۳۴۳، ص ۸۰.
- ۲۲- اسعد گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، به اهتمام محمد جعفر محبوب، بنگاه نشر اندیشه، تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۶۹.
- ۲۳- فرای، رن، تاریخ ایران کمبریج (از اسلام تا سلاجقه)، ترجمه ی حسن انوشه، جلد ۴، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۱۸؛ ولادیمیرونا، استرویالودمیلا، تاریخ اسماعیلیان در ایران «از سده های تا ۷ هجری»، ترجمه ی پروین منزوی، اشاره، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۴۳.
- ۲۴- مینورسکی، ولادیمیر، «فرمانروایی و قلمرو دیلمیان»، ترجمه ی جهانگیر قائم مقامی، بررسی های تاریخی، ۲، ۱، ۱۳۴۶، ص ۲۰۲.
- ۲۵- ابن مسکویه، پیشین، ص ۳۹۶.
- ۲۶- کریمان، حسین، ری باستان، جلد ۱، دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳۵۳.

- ۲۷- مستوفی قزوینی، حمدا... بن ابی بکر بن محمد بن نصر، نزهت القلوب، ترجمه‌ی محمد دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۳۶، صص ۵۲ و ۱۳۷.
- ۲۸- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه‌ی جواد فلاطوری، (جلد اول) و جلد دوم، (ترجمه‌ی مریم میر احمدی)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹، صص ۳۸۷ و ۳۸۹
- ۲۹- امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه‌ی فخرداعی گیلانی، گنجینه، تهران، ۱۴۰۱ ق، صص ۴۲۷-۴۲۸.
- ۳۰- ابن مسکویه، پیشین ج ۶ ص ۱۹۷.
- ۳۱- ابن مسکویه، پیشین ج ۵، ص ۸۱.
- ۳۲- ابن اثیر، عزالدین علی، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه‌ی عباس خلیلی، جلد ۱۳ و ۱۴، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، تهران، ۱۳۵۰، صص ۲۲۳.
- ۳۳- جرفادقانی، پیشین، صص ۵۰-۵۱؛ همدانی، پیشین، ص ۲۹
- ۳۴- ترکمنی آذر، پروین، دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت‌های محلی آل زیار و آل بویه)، سمت، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۲۷.
- ۳۵- ابن مسکویه، پیشین، ج ۶، ص ۴۸۴.
- ۳۶- تاجی، محمد رضا، فرهنگ و تمدن اسلام در قلمرو سامانیان، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶، صص ۲۶۶
- ۳۷- پلودن، لیدی و دیگران، جنگ و اسلحه، ترجمه‌ی محمد نژد، پدیده، تهران، ۱۳۵۲، صص ۴۴
- ۳۸- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، صص ۳۷۷.
- ۳۹- شهبازی، شاپور علیرضا، «ارتش در ایران باستان»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۰، ج ۲، ۱۳۷۵، صص ۳۲
- ۴۰- پیرنیا، پیشین، صص ۳۹۴؛ جمشیدی، محمد حسین، مبانی تاریخ و اندیشه نظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانشکده فرماندهی ستاد، تهران، ۱۳۸۰، صص ۲۳۰-۲۳۲؛

- خلعتبری، اللهیار، کارکرد و نقش سیاسی و اجتماعی قلاع در تاریخ میانه ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۹.
- ۴۱- مینورسکی، پیشین، ص ۲۰۲.
- ۴۲- پرویز، عباس، از طاهریان تا مغول، جلد اول، شرکت مطبوعات، تهران، ۱۳۱۵، صص ۲۳۷ - ۲۳۸.
- ۴۳- پلودن و دیگران، پیشین، ص ۱۹.
- ۴۴- قائدان، علی اصغر، سازمان دهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام از آغاز تا پایان عصر عباسی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۸۲، صص ۲۶۶ - ۲۶۸؛ امیر علی، پیشین، ص ۴۲۹.
- ۴۵- فقیهی، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۴۶- فرای، پیشین، ص ۲۴۶؛ بختورتاش، نصرت...، تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز)، بهجت، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰.
- ۴۷- شهبازی، پیشین، ص ۳۲؛ نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ایران ساسانی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱، ص ۲۴.
- ۴۸- کاظمی شیرازی، محمد حسن، تاریخ جهان اسلام و روابط خارجی آن از آغاز تا امروز، انتشارات نوید، شیراز، ص ۷۸؛ خلعتبری، پیشین، ۱۳۷۱، ص ۶۵.
- ۴۹- فقیهی، پیشین، صص ۳۸۷ - ۳۸۶.
- ۵۰- فقیهی، علی اصغر، شاهنشاهی عضدالدوله، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۴۷، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.
- ۵۱- دینوری، ابن قتیبه، عبد... بن مسلم، امامت و سیاست (تاریخ خلفا)، ترجمه‌ی سید ناصر طباطبایی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷.
- ۵۲- فقیهی، پیشین، ص ۲۳۲.
- ۵۳- ایشولر، پیشین، ص ۳۸۵؛ پلودن و دیگران، ص ۴۴.
- ۵۴- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۴، نگاه، تهران، ص ۷۵۹؛ ناجی، پیشین، ۱۳۸۲، ص ۲۷۱.
- ۵۵- راوندی، پیشین.

- ۵۶- میرخواند، پیشین، ج ۴، ص ۶۲۵
- ۵۷- اشپولر، پیشین، ص ۳۸۴
- ۵۸- فقیهی، پیشین، ص ۲۳۲
- ۵۹- پرویز، پیشین، ص ۲۰۸
- ۶۰- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، (بی تا)، حیب السیر فی اخبار البشر، جلد ۲، خیام، تهران، ص ۴۲۴؛ صاحبی نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدا...، تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۴، صص ۲۱۵-۲۱۶
- ۶۱- فقیهی، پیشین، صص ۱۴۴-۱۴۵ و ۱۰۵
- ۶۲- فقیهی، پیشین، صص ۱۷۰-۱۷۱
- ۶۳- ابن مسکویه، پیشین ص ۱۱۰
- ۶۴- مسعودی، پیشین ص ۷۳۹
- ۶۵- ابن اثیر، پیشین، ج ۱۴، صص ۱۷۰-۱۷۱؛ ابن الجوزی، لابی الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد، (بی تا)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، جلد ۱۴، ۱۵ و ۱۶، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۱۴، صص ۴۷-۴۸.
- ۶۶- جاسورث، پیشین، ۱۳۶.
- ۶۷- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران ( کشمکش با قدرت ها)، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵.
- ۶۸- طهماسبی، ساسان، شاهینیان بطایح، فصلنامه تاریخ اسلام، ۶، ۲۱، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳.
- ۶۹- همدانی، پیشین، ص ۲۷.
- ۷۰- کرمانی، افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد، عقدالعلی للموقف الاعلی، به تصحیح علیمحمد عامری نائینی، مقدمه باستانی پاریزی، روزبهان، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۲۵؛ کبیر، مفیز...، آل بویه در بغداد، ترجمه‌ی مهدی افشار، سمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۸.
- ۷۱- کبیر، پیشین، ص ۷۷.
- ۷۲- فرای، پیشین، ۲۳۲-۲۳۳.
- ۷۳- کبیر، پیشین، ص ۷۷.

- ۷۴- کریمان، پیشین، ج ۲، صص ۱۶۴-۱۶۳.
- ۷۵- مستوفی، ۱۳۶۱، پیشین، صص ۴۲۰-۴۲۱؛ گیلانی، ملاشیخعلی، تاریخ مازندران، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲، ص ۷۷؛ عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام، آثار الوزراء، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۹۹.
- ۷۶- جرفادقانی، پیشین، ص ۴۸.
- ۷۷- کبیر، پیشین، ص ۱۲۷.
- ۷۸- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبد الحی حبیبی، چاپخانه ارمغان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۰۹.
- ۷۹- ابن مسکویه، پیشین، ج ۵، ص ۳۸۰؛ ابن اثیر، پیشین، ج ۱۳، ص ۳۰۱.
- ۸۰- اشپولر، پیشین، ص ۳۹۶.
- ۸۱- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، جلد سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات، تهران، ۱۳۶۶، ص ۶۴۰.
- ۸۲- روشن ضمیر، مهدی، «اوضاع اجتماعی اصفهان در زمان آل بویه»، دانشکده ادبیات اصفهان، ۵، ۶، ۱۳۵۰، ص ۱۵۵.
- ۸۳- ترکمنی آذر، پیشین، ص ۲۲۰.
- ۸۴- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رنسانس اسلامی)، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، جلد ۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۷.
- ۸۵- اشپولر، پیشین، ص ۳۸۰.
- ۸۶- طوسی، خواجه نظام الملک، سیاست نامه یا سیر الملوک، ترجمه‌ی جعفر شعار، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۱۳۱.
- ۸۷- فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید، آداب الحرب و الشجاعه، اقبال، تهران، ۱۳۴۶، ص ۲۹۰.
- ۸۸- فقیهی، پیشین، ص ۱۰۴.
- ۸۹- ابن مسکویه، پیشین، ج ۵، صص ۳۹۴-۳۹۵.
- ۹۰- ابن اثیر، ج ۱۴، ص ۲۸۸؛ ابن جوزی، ج ۱۴، ص ۴۳.

- ۹۱ - حسینی ارموی، میر جلال الدین، تعلیقات النقص، جلد اول، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۵۹۲؛ اباذری، منیژه، «عصر عضد الدوله»، رشد آموزش تاریخ، ۴، ۱۱، ۱۳۸۲، ص ۲۵
- ۹۲ - فقیهی، پیشین، ۲۴۲
- ۹۳ - متر، پیشین، صص ۳۹ - ۴۰
- ۹۴ - کبیر، پیشین، ص ۹۰
- ۹۵ - کبیر، پیشین، صص ۲۱۶ - ۲۱۷
- ۹۶ - کرمر، ص ۱۳۷
- ۹۷ - ابن خلدون، پیشین، ج ۳، ص ۶۵۲.
- ۹۸ - مه‌رین، مه‌رداد، «صاحب بن عباد وزیر دانشمند فخر الدوله دیلمی»، ه‌خت، ۳۰، ۱۲، ۱۳۵۸، ص ۲۶.
- ۹۹ - عقیلی، پیشین، صص ۱۹۸ - ۱۹۹؛ مستوفی، پیشین، ص ۴۲۰.

### منابع و مآخذ:

- ۱ - اباذری، منیژه، «عصر عضد الدوله»، رشد آموزش تاریخ، ۴، ۱۱، ۲۴-۳۱، ۱۳۵۰
- ۲ - ابن اثیر، عزالدین علی، کامل ( تاریخ بزرگ اسلام و ایران )، ترجمه‌ی عباس خلیلی، جلد ۱۳ و ۱۴، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، تهران، ۱۳۵۰
- ۳ - ابن اسفندیار، بهاء‌الدوله محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال، جلد اول، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰
- ۴ - ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، ترجمه مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت... ریاضی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴
- ۵ - ابن الجوزی، لابی الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم، جلد ۱۴، ۱۵ و ۱۶، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا



- ۶ - ابن خلدون، عبدالرحمن، **العبر...** ، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، جلد سوم، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶
- ۷ - ابن طباطبا، محمدبن علی، **تاریخ فخری**، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰
- ۸ - ابن مسکویه، **تجارب الامم**، ترجمه‌ی علیتقی منزوی، جلد ۵ و ۶ ، طوس، تهران، ۱۳۷۶
- ۹ - اسعد گرگانی، فخرالدین، **ویس و رامین**، به اهتمام محمد جعفر محبوب، بنگاه نشر اندیشه، تهران، ۱۳۳۷
- ۱۰ - اشپولر، برتولد، **تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی**، ترجمه‌ی جواد فلاطور، (جلد اول) و جلد دوم، (ترجمه مریم میر احمدی)، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۱ - اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، **مسالك الممالک**، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸
- ۱۲ - امیرعلی، **تاریخ عرب و اسلام**، ترجمه‌ی فخرداعی گیلانی، گنجینه، تهران، ۱۴۰۱ ق
- ۱۳ - باسورث، کلیفورد ادموند، **تاریخ غزنویان**، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶
- ۱۴ - بناکتی، **روضه اولی الالباب فی المعرفة التواریخ و الانساب**، به کوشش جعفر شعار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۸
- ۱۵ - بختورتاش، نصرت...، **تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز)**، بهجت، تهران، ۱۳۸۳
- ۱۶ - پرویز، عباس، **از طاهریان تا مغول**، جلد اول، شرکت مطبوعات، تهران، ۱۳۱۵
- ۱۷ - پلودن، لیدی و دیگران، **جنگ و اسلحه**، ترجمه‌ی محمد نژد، پدیده: تهران، ۱۳۵۲
- ۱۸ - پیرنیا، حسن، **ایران باستان**، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰
- ۱۹ - ترکمنی آذر، پروین، **دیلمیان در گستره تاریخ ایران** (حکومت های محلی آل زیار و آل بویه)، سمت، تهران، ۱۳۸۴

- ۲۰ - جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر، **ترجمه تاریخ یمینی**، به اهتمام جعفر شعار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۵
- ۲۱ - جمشیدی، محمد حسین، **مبانی تاریخ و اندیشه نظامی**، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانشکده فرماندهی ستاد، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۲ - حسینی ارموی، میر جلال الدین، **تعلیقات النقص**، جلد اول، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۸
- ۲۳ - خلعتبری، اللهیار، **کارکرد و نقش سیاسی و اجتماعی قلاع در تاریخ میانه ایران**، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۲
- ۲۴ - خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، **حبیب السیر فی اخبار البشر**، جلد ۲، خیام، تهران، بی تا
- ۲۵ - دینوری، ابن قتیبه، عبدال... بن مسلم، **امامت و سیاست (تاریخ خلفا)**، ترجمه‌ی سید ناصر طباطبایی، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰
- ۲۶ - راوندی، مرتضی، **تاریخ اجتماعی ایران**، جلد ۴، نگاه، تهران، ۱۳۸۲
- ۲۷ - روشن ضمیر، مهدی، **اوضاع اجتماعی اصفهان در زمان آل بویه**، دانشکده ادبیات اصفهان، ۵، ۶، ۱۳۵۰.
- ۲۸ - زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین الخیر، **شیراز نامه**، به کوشش دکتر اسماعیل واعظ جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰
- ۲۹ - زرین کوب، عبدالحسین **تاریخ مردم ایران (کشمکش با قدرت ها)**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱
- ۳۰ - شهبازی، شاپور علیرضا، **ارتش در ایران باستان**، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۱۰، ۲، ۱۳۷۵
- ۳۱ - صاحبی نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدال...، **تجارب السلف**، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۴

- ۳۲ - طوسی، نظام الملک خواجه، **سیاست نامه یا سیر الملوک**، ترجمه‌ی جعفر شعار، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۴۸
- ۳۳ - طهماسبی، ساسان، **شاهینیان بطایح**، فصلنامه تاریخ اسلام، ۶، ۲۱، ۱۳۸۴
- ۳۴ - عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام، **آثار الوزراء**، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷
- ۳۵ - غفاری قزوینی، **تاریخ جهان آرا**، کتابفروشی حافظ، تهران، ۱۳۴۳
- ۳۶ - فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید، **آداب الحرب و الشجاعه**، اقبال، تهران، ۱۳۴۶
- ۳۷ - فرای، رن، **تاریخ ایران کمبریج (از اسلام تا سلاجقه)**، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد ۴، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳
- ۳۸ - فقیهی، علی اصغر، **شاهنشاهی عضد الدوله**، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۴۷
- ۳۹ - فقیهی، علی اصغر، **آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر**، صبا، گیلان، ۱۳۶۵
- ۴۰ - قائدان، علی اصغر، **سازمان دهی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام از آغاز تا پایان عصر عباسی**، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ۱۳۸۲
- ۴۱ - کاظمی شیرازی، محمد حسن، **تاریخ جهان اسلام و روابط خارجی آن از آغاز تا امروز**، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۱
- ۴۲ - کبیر، مفیز...، **آل بویه در بغداد**، ترجمه‌ی مهدی افشار، سمت، تهران، ۱۳۸۱
- ۴۳ - کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد احمد بن حامد، **عقدالعلی للموقف الاعلی**، به تصحیح علی محمد عامری نائینی، مقدمه باستانی پاریزی، روزبهان، تهران، ۱۳۵۶
- ۴۴ - کرمر، جونل، **احیای فرهنگی در عهد آل بویه**، ترجمه‌ی محمد سعید حنایی کاشانی مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵
- ۴۵ - کریمان، حسین، **ری باستان**، جلد ۱، دانشگاه ملی، تهران، ۱۳۴۵
- ۴۶ - گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود، **تاریخ گردیزی**، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپخانه ارمغان، تهران، ۱۳۶۳

- ۴۷- گمنام، **مجمّل التواریخ والقصص**، به تصحیح ملک الشعراء بهار و به همت محمد رضائی، چاپخانه خاور، تهران، ۱۳۱۸
- ۴۸- گمنام، **حدود العالم من المشرق الى المغرب**، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰
- ۴۹- گیرشمن، رومن، **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه‌ی محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶
- ۵۰- گیلانی، ملاشیخعلی، **تاریخ مازندران**، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۲
- ۵۱- متز، آدام، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رئسانس اسلامی)**، ترجمه‌ی علیرضا ذکاتوی قراگوزلو، جلد ۱ و ۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴
- ۵۲- مستوفی قزوینی حمدا...، **تاریخ گزیده**، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۱
- ۵۳- مستوفی قزوینی، حمدا...، **نزهت القلوب**، ترجمه‌ی محمد دبیر سیاقی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۳۶
- ۵۴- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، **مروج الذهب و المعادن الجواهر**، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵
- ۵۵- مه‌رین، مه‌رداد، **صاحب بن عباد وزیر دانشمند فخر الدوله دیلمی**، هوخت، ۳۰، ۱۲، ۱۳۵۸
- ۵۶- میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی، **روضه الصفا**، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۵
- ۵۷- مینورسکی، ولادیمیر، **فرمانروایی و قلمرو دیلمیان**، ترجمه‌ی جهانگیر قائم مقامی، بررسی‌های تاریخی، ۲ و ۱، ۱۳۴۶
- ۵۸- ناجی، محمد رضا، **فرهنگ و تمدن اسلام در قلمرو سامانیان**، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶
- ۵۹- نفیسی، سعید، **تاریخ تمدن ایران ساسانی**، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱

- ۶۰- همدانی، محمد بن عبدالملک، **تکمله تاریخ طبری**، قدم له و حقه، آلبرت یوسف کنعان، جلد اول، بیروت، ۱۹۶۱
- ۶۱- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل...، **جامع التواریخ**، به اهتمام احمد آتش، جلد ۱، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲
- ۶۲- ولادیمیرونا، استرویوآلودمیلا، **تاریخ اسماعیلیان در ایران**، ترجمه‌ی پروین منزوی، اشاره، تهران، ۱۳۷۱





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی